

براوردهای حسابداری در حوزه بانکی؛

نیازمند تلاش بیشتر موسسه‌های حسابرسی



گزارشگر

آقای علی اکبر امین تفرشی

عضو هیئت مدیره بانک پاسارگاد

سپار

صورت‌های مالی بانکها در سالهای اخیر به موضوعی مناقشه برانگیز تبدیل شده است. دیدگاه و نظرهای صاحب‌نظران و متخصصان بانکداری، برای خوانندگان نشریه حسابرس، به‌ویژه دانشجویان و جوانان، سودمند و خواندنی است. در نشست با آقای علی اکبر امین تفرشی، عضو هیئت مدیره بانک پاسارگاد، دیدگاه ایشان را درباره نقش برآورد پارامترها در گزارشگری مالی بانکها و چالشهای فرایند برآورد از منظر اجرایی و حسابرسی، جویا شدیم که در پی می‌آید.

امین تفرشی

بر اساس تعریف، برآورد حسابداری، تخمین مبلغ آن دسته از اقلام صورت‌های مالی است که امکان اندازه‌گیری دقیق آنها وجود ندارد. برآوردهای حسابداری یکی از ویژگیهای اساسی گزارشگری مالی محسوب می‌شود و بیانگر ابهام ذاتی فعالیتهای تجاری است. در صورت‌های مالی بانکهای تجاری هم اقلام زیادی وجود دارند که ناگزیر باید براساس یک مدل برآورد شوند.

گسترده‌ی ماهوی فعالیت بانکها از یک طرف و تنوع ابزار مورد استفاده از طرف دیگر، باعث می‌شود این دسته از اقلام در صورت‌های مالی بانکها از اهمیت بالایی برخوردار باشند. در برخی موارد استانداردهای حسابداری رویه مشخصی را برای برآورد یک متغیر تعیین کرده است، اما در بسیاری از موارد هم مدیران بنگاه تجاری باید برآوردهای خود را با افشای چگونگی رسیدن به نتایج درج‌شده در صورت‌های مالی افشا کنند. این در حالی

است که قوانین و مقررات نهاد ناظر مانند بانک مرکزی نیز در مواردی الزاماتی را تعیین می‌کند.

به عنوان نمونه، هم استانداردهای حسابداری و هم دستورالعملهای بانک مرکزی در مورد چگونگی طبقه‌بندی پرونده‌های تسهیلاتی در طبقات جاری، مشکوک‌الوصول، معوق و یا سوخت‌شده و همچنین کفایت وثائق، تضامین اخذشده، در نهایت میزان ذخائر لازم، چارچوبهایی را تعیین کرده‌اند، اما این چارچوبها به ضرورت منطبق با دیدگاه‌های حرفه‌ای مدیران بانکهای تجاری نیست. بنابراین چالش فرایند حسابرسی در این حوزه، چالشی جدی است که لاجرم بر مبنای قضاوت حرفه‌ای بررسی مستندات و شواهد پشتوانه اقدام انجام‌شده، صورت می‌پذیرد.

یکی دیگر از بخشهای مهم صورتهای مالی بانکها که با اجباری شدن رعایت الزامات **استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)**، فرایند برآورد را بسیار چالش‌برانگیز می‌سازد، افشای ارزش منصفانه داراییها است. همان‌طور که می‌دانید ارزشگذاری در برخی مکاتب فکری در اساس یک پدیده ذهنی است؛ یعنی هم در انتخاب مدل ارزشگذاری و هم در برآورد پارامترهای ورودی، اشخاص مختلف می‌توانند بسته به میزان ریسک‌پذیری، افق سرمایه‌گذاری، آرایش سایر داراییها، و تابع مطلوبیتی که دارند، از روشها و مفروضات متفاوتی در ارزشگذاری استفاده کنند، حال آن‌که صورتهای مالی بانکها در نهایت باید مبتنی بر مدلی خاص با مفروضات مشخص باشد. بنابراین یکی دیگر از چالشهای فرایند حسابرسی به منظور حصول اطمینان از ارزشگذاری منصفانه و اتکاپذیری اقلام صورتهای مالی در این مرحله ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که هنوز زمان زیادی از بروز چنین چالشهایی نگذشته است، ضروری است محافل حرفه‌ای، حساب‌رسان، فعالان و مدیران اجرایی بانکها، دانشگاه‌ها و نهادهای ناظر، هم‌اندیشیهایی جدی و دامنه‌داری را به منظور دستیابی به مدلهای با پذیرش حداکثری، شفافیت بالا، مفروضات ساده و تحلیل‌پذیر، اجرایی کنند.

در حوزه مدیریت ریسک البته گامهایی از قبل صورت گرفته است. چارچوبهای کمیته بال و دستورالعملهایی که بانک مرکزی مبتنی بر آن تنظیم کرده است، حداقلهایی

را برای گزارشگری مالی در این حوزه فراهم آورده است، ولی به نظر می‌رسد در این حوزه هم نیازمند تلاشهای بیشتری هستیم. به‌ویژه موسسه‌های حسابرسی باید در کنار واحدهای مالی و ریسک بانکها، دانش حرفه‌ای خود را در این زمینه عمق بیشتری ببخشند.

همان‌طور که می‌دانید تعریف ریسک‌هایی که بانک با آن مواجه می‌شود، نوع رابطه بخشهای مختلف کسب‌وکار با هریک از ریسکهای اصلی، چارچوب و ساختار نظام مدیریت ریسک بانک، سیاستها و خطمشیهای بانک در مواجهه با هریک از ریسکها، فرایندهای سنجش، مدیریت، مدلسازی، گزارشگری ریسکها، همه باید در صورتهای مالی بانکها افشا گردد.

برای مثال، در حوزه ریسک اعتباری، تحلیل کیفیت اعتباری تسهیلات اعطایی بر اساس درجات گوناگون ریسک، گزارش ارزش نقد به‌روزآوری‌شده وثایق، برآورد ارزش داراییهای موزون‌شده به ریسک اعتباری، محاسبه سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک اعتباری هم از مواردی هستند که نیازمند ابعاد گوناگونی از برآورد پارامترهای خاص می‌باشند.

در حوزه ریسک نقدینگی باید سازوکارهای کنترل و پایش ریسک نقدینگی بانک به منظور اجتناب از مواجهه با ریسک کمبود وجه نقد افشا گردد. در این حوزه، تحلیل شکافهای ایستا و پویا و استفاده از مدلهای شبیه‌سازی گوناگون به منظور برآورد نوسانات جریان نقدی بانک ضروری است.

در حوزه نرخ ارز، محاسبه **ارزش در معرض خطر (VaR)** خالص موقعیت باز ارزی بانک، و در حوزه ریسک بازار، محاسبه ارزش در معرض خطر **سبد سرمایه‌گذاریهای کوتاه‌مدت بانک (Trading Book)** مستلزم برآورد پارامترهای ورودی مدلهای گوناگون تخمین نوسان و تابع توزیع متغیرهایی است که هریک ممکن است مبانی قضاوتی و مفروضات خاص خود را داشته باشند.

به نظر می‌رسد با توجه به جمیع موارد یادشده، لازم است هم در حوزه وضع استانداردهای حسابداری و هم در بهینه‌سازی فرایند حسابرسی، گامهای جدی‌تری برداشته شود. 